

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم (مطالعه موردی: قرارگاه خاتم‌الانبیای سپاه)

محمد جواد سبحانی فر^۱

محمد رضا عباسی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۶

چکیده

در این پژوهش با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم»، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و به‌صورت کاربردی و با استفاده از روش گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی، ضمن انجام مطالعات نظری و مشاهدات میدانی، تلاش شده است تا در راستای هدف پژوهش و ارائه پاسخ به سؤال تحقیق مبنی بر تعیین عوامل مؤثر و تبیین میزان تأثیر آنها در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، گام مؤثری در این جهت برداشته شود. بنابراین، در این تحقیق پس از انجام مطالعات نظری و تحقیقات میدانی در قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله و آله)، نسبت به احصای مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، در قالب مدل مفهومی تحقیق اقدام و در نهایت عوامل مزبور در قالب پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۲ سؤال بسته برای اخذ نظر جامعه نمونه آماری تنظیم و طراحی شده است. در ادامه پرسشنامه این پژوهش بین ۲۸ نفر از افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با موضوع در قالب جامعه نمونه آماری که به‌صورت تمام‌شمار انتخاب شده‌اند، توزیع و سپس نظر آنان نیز جمع‌آوری شده است. پس از گردآوری پرسشنامه‌ها و بررسی نظر جامعه نمونه آماری، با استفاده از فن‌ها و روش‌های آماری نسبت به تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام و در ادامه به جمع‌بندی و ارزیابی پاسخ مسئله تحقیق نیز پرداخته شده است. سپس در نتیجه‌گیری و در پاسخ به سؤال تحقیق، مؤلفه‌های سه‌گانه عوامل ایجابی و سلبی کسب بصیرت و ویژگی فرماندهان در قالب ۲۲ عامل و برحسب اولویت میانگین، میزان تأثیر آنها به‌عنوان عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، تعیین شده است.

کلید واژه‌ها: بصیرت؛ جنگ نرم؛ عوامل ایجابی کسب بصیرت؛ عوامل سلبی بصیرت؛ ویژگی فرماندهان

سپاه

sobhanifar@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت امور دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

abasi1355@yahoo.com

مقدمه

آگاهی داشتن نسبت به مسائل روز و امور مهم زندگی و دنیای پیرامون، بدون شک، یکی از عواملی است که از ابتدای زندگی بشر تاکنون نقش مهم و اساسی در صعود و سقوط جوامع مختلف داشته است. در واقع، این همان آگاهی یا بصیرت است که داشتن یا نداشتن آن در زندگی باعث صعود یا سقوط انسان می‌شود. شهروند جامعه اسلامی به‌عنوان یک عضو از یک مجموعه بزرگ نیاز دارد تا برای مشارکت سیاسی موفق در عرصه جامعه به سطحی از آگاهی دست یابد تا شرکت او در اجتماع، یک مشارکت آگاهانه و صحیح باشد. حضرت علی (علیه‌السلام) شخصاً بر آگاهی داشتن از امور جامعه تأکید و آن را یک اصل اساسی برای دیگر طبقات جامعه برمی‌شمارد: «به خدا سوگند از آگاهی لازم برخوردارم و هرگز غافلگیر نمی‌شوم که دشمنان مرا محاصره کنند و با نیرنگ دستگیر کنند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۶). رهبر فرزانه انقلاب اسلامی همواره در بیشتر فرمایشاتشان بر بصیرت و اهمیت آن تأکید و بهره‌مندی از آن را به‌عنوان تنها راه برای گمراه‌نشدن در گرد و غبار ایجادشده ناشی از فتنه‌ها می‌دانند. میدان کنونی نبرد میان جمهوری اسلامی و دشمنان قسم‌خورده‌اش، میدان جنگ نرم و مبارزه فرهنگی است. دشمن‌شناسی و آشنایی با تاکتیک‌ها، روش‌ها و عملیات سیاسی روانی آنها علیه نظام اسلامی در گرو تیزبینی، شم سیاسی و پیروی از تدابیر مقام معظم رهبری میسر است. فرماندهان سپاه به‌واسطه مسئولیت خطیری که در قبال نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دارند، از میدان‌داران اصلی مبارزه با جنگ نرم هستند و در این راه به بصیرت فزاینده نیاز دارند تا بتوانند با سربلندی از حافظان خون شهدا باشند.

بیان مسئله، اهمیت و ضرورت تحقیق

ناکامی دشمن در جنگ سخت علیه ایران منجر به این شد که دشمن علاوه بر شیوه‌های تهاجم سیاسی، نظامی و اقتصادی، به تهاجم فرهنگی نیز روی آورده و با استفاده از ابزارهای مختلف جنگ نرم به مقابله همه‌جانبه با نظام اسلامی پردازد. اگرچه تاکنون در راستای مقابله با جنگ نرم دشمن، اقدامات اساسی و مهمی انجام پذیرفته است، لیکن به نظر می‌رسد که باید اقدامات تاکتیکی و راهبردی مختلفی متناسب با هجمه‌های دشمن طراحی و اجرا شود. هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مبارزه با جنگ نرم دشمن در سپاه پاسداران، ارتقای سطح بینش و بصیرت در فرماندهان سپاه به‌منظور رویارویی موفق

در میدان جنگ نرم است.

از آنجا که حربه‌های دشمن در میدان جنگ نرم، متنوع است و روزبه‌روز گسترش می‌یابد و یکی از مهم‌ترین این حربه‌ها تحت تأثیر قرارداد بینهش و بصیرت خواص در جمهوری اسلامی ایران است، لذا تحقیق حاضر به دنبال رفع این دغدغه است تا عواملی را که می‌توانند در راستای ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم تأثیر داشته باشد، تبیین نماید. در رابطه با اهمیت تحقیق می‌توان بیان داشت که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طبق اصل ۱۵۰ قانون اساسی، مسئول حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی است و به همین لحاظ، در شرایط کنونی یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های سپاه، مقابله با تهدید نرم دشمنان جمهوری اسلامی است. در این بین، فرماندهان سپاه به عنوان مدیران و رهبران این نهاد و تصمیم‌گیران و تعیین‌کنندگان خط‌مشی مبارزه، می‌باید از بالاترین سطح بصیرت برخوردار باشند. قطعاً دوراندیشی و بصیرت فرماندهان سپاه، تأثیرات بسیار مهمی را در شیوه دفاع، مبارزه و مقابله با تهاجم فرهنگی دارد. هم‌اکنون باید این حضور در صحنه، تداوم داشته باشد و برای در صحنه‌بودن و غافلگیر نشدن باید حداکثر بصیرت و آگاهی لازم را داشته باشند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «بصیرت را هم باید روزبه‌روز بیشتر کنید، وقتی بصیرت زیاد شد، استقامت و پایداری هرگز تمام نمی‌شود و وسوسه و وسوسه‌کنندگان و شکلک‌درآوردن دشمن عاجز، انسان را از میدان خارج نمی‌کند» (بیانات در دیدار با لشکر ۱۶ قدس، ۱۶/۰۲/۱۳۸۰). لذا ضرورت دارد تا سطح بینهش، آگاهی و بصیرت فرماندهان سپاه همیشه در عالی‌ترین سطح نگه داشته شود.

هدف تحقیق

بررسی عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم دشمن.

سؤال تحقیق

عوامل ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم کدامند؟

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و به روش «توصیفی - تحلیلی» انجام شده است و گردآوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار مطالعه کتب و مقالات و با بررسی اسناد و مدارک

مرتبط با موضوع تحقیق و همچنین به‌روشنی تحقیقات میدانی با بهره‌گیری از ابزار مشاهده و تهیه و توزیع پرسشنامه بین افراد خبره و صاحب‌نظر صورت گرفته است.

جامعه آماری این تحقیق مشتمل بر فرماندهان ارشد سپاه در قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (صلی‌الله و آله) می‌باشند که ۲۸ نفر برآورد شده‌اند. حجم نمونه آماری در این تحقیق با توجه به تعداد جامعه آماری با استفاده از روش تمام‌شمار ۲۸ نفر، برآورد شده است.

درخصوص نحوه تهیه و توزیع پرسشنامه در این پژوهش که با استفاده از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تنظیم شده است، پس از تهیه پیش‌نویس پرسشنامه و مصاحبه با برخی از افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با موضوع تحقیق و انجام برخی اصلاحات شکلی و محتوایی، درنهایت پرسشنامه تحقیق در قالب ۲۲ سؤال بسته، تنظیم و سپس بین افراد جامعه نمونه آماری توزیع شد. درانتها نسبت به جمع‌آوری پاسخ سؤالات پرسشنامه‌ها اقدام و سپس با استفاده از روش‌های علمی آماری نسبت به تجزیه و تحلیل آنها اقدام شد.

درخصوص روایی پرسشنامه تحقیق، با توجه به توضیحات پیش‌گفته درخصوص مراحل تهیه و توزیع پرسشنامه و با توجه به مشورت با اساتید خبره و صاحب‌نظر و نیز به‌اجماع گذاشتن سؤالات پرسشنامه بین جامعه نمونه آماری و دریافت پاسخ سؤالات نهایی، واضح است که در صورت تکرار تحقیقی مشابه پژوهش حاضر، پرسشنامه‌ای مشابه پرسشنامه این تحقیق قابل انتظار است که این مهم دقت و روایی پرسشنامه تحقیق فوق را اثبات می‌کند. تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق با استفاده از نرم‌افزارهای EXEL و SPSS و با بهره‌گیری از روش‌های کمی آماری زیر صورت گرفته است:

- استفاده از جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی برای توصیف داده‌ها؛

- تعیین میانگین هر یک از عوامل مؤثر در ارتقای تبیین شیوه‌های ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم؛

- تعیین میانگین کل و عدد شاخص برای استانداردسازی و فهرست‌نمودن عوامل بر حسب میانگین

و همچنین حذف عوامل کم‌اثرتر.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

بصیرت: بصیرت در لغت به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است

(ابن‌منظور، ج ۲: ۴۱۸) و در اصطلاح، عبارت از قوه‌ای است در قلب شخص که به نور قدسی منور بوده

و به وسیله آن حقایق امور و اشیاء را درک می‌کند، همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صورت و ظواهر چیزها را می‌بیند. این مفهوم در قرآن، با واژگانی چون بصر و مشتقات آن و نیز رأی بیان شده است. از نظر قرآن، بصیرت، نیاز اساسی بشر است و خداوند برای انسان، همه موجودات و آفریده‌های جهان را مایه بصیرت معرفی می‌کند. معجزات الهی در هر شکل و شمایل، عوامل بصیرت‌زا و مایه دستیابی انسان به حقایق، امور است (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۳). بصیرت به معنای روشن‌بینی و روشن‌دلی است. بصر چشم سر است، بصیرت چشم دل، بصیرت به معنای فهم و درک عمیق است که زمینه تشخیص حق از باطل و انتخاب راه درست از نادرست را برای انسان فراهم می‌کند. انسان با بصیرت آینده‌نگر، دارای چشم‌انداز روشن‌تر و موضع نزدیک به حق است، اما انسان بی‌بصیرت در حرکت خود دچار انحراف و اشتباهات می‌شود. در کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آمده است: «فقد البصر اهون من فقد البصیره: فقدان بصر به مراتب تحملش آسان‌تر است از فقدان بصیرت» (غررالحکم، ۳۵۰). در مقابل بصیرت، جهالت و عوام‌زدگی و حرکت کورکورانه قرار دارد که همه اینها، زمینه سقوط انسان می‌شود. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله و آله) می‌فرماید: «لیس الاعمی من یعمی بصره انما الاعمی من تُعمی بصیرته: کور کسی نیست که چشمش نابینا باشد، آدم نابینا و کور کسی است که بصیرت نداشته باشد» (کنز العمال، حدیث ۱۲۲۰). نمونه بصیرت در سه جنگ امام علی (علیه‌السلام) کاملاً مشهود بود. فردی مثل حارث بن حوط، نزد امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) رفت و گفت: من مانده‌ام که حق با کیست؟ مگر می‌شود، طلحه و زبیر با این سابقه، دچار انحراف شوند، علی (علیه‌السلام) وقتی تحیر او را دید، فرمود: تو جلوی پایت را می‌بینی و بالا را نمی‌بینی، لذا متحیر شدی (چشم‌انداز خوبی نداری، نمی‌توانی افق‌های بالاتر را ببینی، فهم و درک عمیق نیست) همانا حق را نمی‌شناسی تا اهلش را بشناسی، باطل را نمی‌شناسی تا اهلش را بشناسی (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۴۲). امام علی (علیه‌السلام) در جایی دیگر می‌فرماید: «این قرآن که دشمن آن را تابلو کرده، نوشته‌ای است بین دو جلد، حرف نمی‌زند، نیاز به مفسر دارد، مبین می‌خواهد، به عامل اجرا نیاز دارد. ما برای اجرا و ترجمان کتاب خدا سزاوارتریم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۵). بصیرت باطنی و بینایی دل، درجات و مراتبی دارد. اوج بصیرت، مرتبه‌ای است که ائمه اطهار (علیه‌السلام) دارند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اگر همه پرده‌ها فرو افتد، چیزی بر یقین من افزوده نمی‌شود» (بحارالانوار، ج ۶۶: ۲۰۹). خداوند در آیات ۱۶ سوره رعد و ۷۲ سوره قصص، بصیرت را عامل دستیابی انسان و راه‌یابی وی به توحید و قدرت الهی می‌شمارد. رسیدن به توحید ناب و شناخت حقیقت قدرت و توانایی الهی، یکی از مهم‌ترین آثار و کارکردهای بصیرت

است که در این آیات به آن توجه داده شده است. کارکرد و نقش دیگر بصیرت که در آیات دیگری از جمله ۱۳ سوره آل عمران و ۲۴ سوره هود و ۴۴ سوره نور و ۵۸ سوره غافر و ۲ سوره حشر به آن اشاره شده، عبرت‌آموزی انسان است. در آیه ۱۰۴ سوره انعام، حصول منفعت برای نفس آدمی از نتایج بصیرت و ژرف‌نگری وی ارزیابی می‌شود. در آیات ۵۰ سوره انعام و ۲۴ سوره هود و ۱۶ سوره رعد و ۱۹ سوره فاطر، خداوند از بدیهی بودن برتری بصیرت در زندگی بشر نسبت به کوردلی و نابینایی و توجه به ظواهر به جای حقایق و باطن‌ها، سخن گفته است تا انسان‌ها را به ارزیابی و سنجش وادار نماید. پیامبر گرامی (صلی‌الله و آله) پیروان خویش را به بصیرت و روشن‌دلی دعوت می‌کند تا از کوری نیز رهایی یابند (یوسف / ۱۰۸). بصیرت، شاخص اصلی نخبگان و خواص جامعه است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «این پرچم پیشتازی و پاسداری را کسی نمی‌تواند به دست گیرد، مگر افراد صبور و اهل بصیرت و عالم به مواضع حق و حقیقت» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳). همچنین بصیرت عامل اصلی شناخت و برون‌رفت از فتنه‌ها است. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «من بودم که چشم فتنه را کور کردم، کسی جز من جرأت آن را نداشت؛ من با کسانی درگیر شدم که زمزمه شب و پینه عبادت بر پیشانی داشتند، این نبود مگر به خاطر فهم و یقینی که از پروردگار داشتم» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۲). امام راحل (ره) تأکید نموده‌اند که: «بیدار باشید و هوشیار باشید که بازیگران سیاسی و سیاست‌مداران حرفه‌ای غرب و شرق زده و دست‌های مرموز جنایتکاران پشت پرده، لبه تیز سلاح جنایتکاران از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه شماست و از شما که با جان‌فشانی خود انقلاب را پیروز نموده و اسلام را زنده کردید، بهره‌گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازد» (وصیت‌نامه سیاسی الهی امام (ره)).

مقام معظم رهبری فرمودند: «برخلاف تبلیغات رسانه‌ای، مشکل اصلی دشمنان این سرزمین، بصیرت ملت و غیرت دینی جوانان کشور است». ایشان همچنین فرمودند: «قیام ۱۹ دی مردم قم در ۳۲ سال پیش با ویژگی‌هایی همچون بصیرت، موقع‌شناسی، دشمن‌شناسی و مجاهدت، مبدأ تحول و ایجاد جریانی عظیم در ملت ایران شد که همچنان درس‌آموز و تأثیرگذار است» (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۸/۱۰/۲۰). مقام معظم رهبری «بصیرت» را برای شناخت هدف، تشخیص راه صحیح رسیدن به هدف، تشخیص دشمن و موانع راه و شناخت راه‌های برطرف کردن موانع، ضروری دانسته و می‌فرماید: «بصیرت، قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است، به گونه‌ای که اگر کسی این قطب‌نما را نداشت و نقشه‌خوانی بلد نبود، ممکن است، ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند.

اگر بصیرت نباشد، انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵). ایشان نگاه اصلی خود را به نخبگان جامعه معطوف کرده و می‌فرمایند: «بصیرت مهم است، نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران هم به وجود بیاورند. آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند، نمی‌فهمند. اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یک هو به نفع دشمن می‌پراندند. به نفع جبهه‌ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است» (سخنرانی در جمع اعضای دفتر و سپاه ولی امر ۱۳۸۸/۵/۲۱). معظم‌له دلیل تمرکز دشمن روی خواص را نفوذ آنها میان مردم دانسته و می‌فرماید: «امروز به گمان من هدف و آماج دشمن، خواص است. آماج دشمن خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند، برای اینکه بتوانند مردم را بکشاند، چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. یکی از وظایف اصلی امروز من و شما همین است. ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد کنیم» (بیانات در دیدار با خبرنگاران مردم، ۱۳۸۸/۰۷/۰۲).

شاخصه‌های بصیرت

امام‌شناسی، مهم‌ترین شاخصه‌های اهل بصیرت است. امام رضا(علیه‌السلام) می‌فرماید: جایگاه امامت و دستیابی به عمق آن بالاتر از آن است که مردم با عقل خود بتوانند به ارزیابی آن پردازند یا اندیشه درستی از آن داشته باشند یا به‌اختیار خود پیشوایی انتخاب کنند و سر و سامانی به آن بدهند (برهان، ۱۳۹۰: ۱۵). شناخت خط پیامبر(صلی‌الله و آله) و امام از دیگر شاخصه‌های بصیرت است. دین‌مداری بر مبنای قرآن و سنت و تکیه بر فقه جواهری و اسلام ناب، مشروعیت الهی رهبری و قوانین، جامعیت دین اسلام، عینیت دین و سیاست، مردم‌سالاری دینی، فعلیت‌بخشیدن مردم در حکومت، ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلومان و اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه از مهم‌ترین شاخصه‌های افراد پیرو خط امام است (برهان، ۱۳۹۰: ۲۲). جبهه‌شناسی یکی دیگر از شاخصه‌های بصیرت، در حرکت یک انسان مؤمن است. باید شاخصه‌های جبهه حق و باطل را خوب شناخت. ربیع‌بن خثیم به حضرت علی(علیه‌السلام)، بیان داشت: می‌ترسم جنگ صفین مشروع نباشد، حضرت فرمودند: چرا؟ گفت: ما با اهل قبله داریم می‌جنگیم، اینها دارند نماز و قرآن می‌خوانند. من نمی‌توانم به اینها تیر بزنم. مرا جایی بفرست که جای تردید و شک نباشد. حضرت او را به سرحد فرستادند که کفار و مشرکین بودند (برهان، ۱۳۹۰: ۲۹). از جریان‌شناسی می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از شاخصه‌های بصیرت نام برد. کسانی اهل بصیرت هستند که

جریان‌ها را خوب بشناسند. گاهی در جامعه جریان‌هایی شکل می‌گیرد که دارای ظاهری آراسته و شعار زیباست، اما در باطن، فتنه است. خوارچ اهل ذکر بوده و ظاهری آراسته داشته و خیلی آنها را نمی‌شناختند؛ اما درحقیقت یک جریان گمراه و انحرافی بودند، انجمن حجتیه و یا غائله ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، خیلی‌ها را با خود همراه کرد، ولی کسانی که اهل بصیرت بودند به راحتی آنها را شناختند (برهان، ۱۳۹۰: ۳۱).

عوامل ایجابی ارتقای بصیرت

الف) شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمانه خود: شناخت ولی امر زمان در اسلام از جایگاهی رفیع برخوردار است. رسول گرامی اسلام (صلی الله و آله) فرمودند: «اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، همانند کسی است که به مرگ جاهلیت مرده است» (البحار تفسیر ابی الفتوح - الحکم الزاهره با ترجمه انصاری: ۱۰۸). لذا شناخت ولی امر مسلمین در این زمان از عوامل و راهکارهای اصلی و مهمی است که می‌تواند انسان را به بصیرت برساند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هیچ کس از شیعیان به بصیرت نمی‌رسند مگر اینکه با شناخت من به نورانیت برسند، هنگامی که مرا به این مقام شناختند به طور تمام و کمال بصیرت یافته‌اند» (بحار الأنوار، ج ۲۶: ۷).

ب) داشتن فکر و اندیشه و تجزیه و تحلیل مسائل: از دیگر اموری که انسان را به بصیرت سوق می‌دهد، اندیشه و تجزیه و تحلیل جریانات سیاسی و اجتماعی ماست. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أفکر تستبصر: فکر کن تا بصیرت یابی و همچنین "لا بصیره لمن لا فکر له: نیست بصیرتی از برای کسی که نباشد، فکری از برای او».

ج) دوراندیشی در امور: دوراندیشی در امور، آینده‌نگری و تدبیر در مسائل و جریانات از اموری است که انسان را به بصیرت سوق می‌دهد. حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «من استقبل الأمور أبصر: هر که از قبل پیش‌بینی کند و به پیشواز کارها برود، (نسبت به امور دوراندیشی کند) بینا گردد» (تصنیف غررالحکم و دررالکلم: ۵۷).

د) پیروی از عالمان وارسته: امام محمد باقر علیه السلام در وصف علمای ربانی می‌فرماید: «عالم مانند کسی است که به همراه خود شمعی دارد که به وسیله آن ظلمت جهل و حیرت از بین می‌رود و هر کس که به نور آن روشنی یافت، از حیرت خارج شده و از جهل نجات می‌یابد» (الاحتجاج علی اهل اللجاج؛ ج ۱: ۱۷).

ه) رعایت ایمان و تقوای الهی: یکی دیگر از راهکارهای عملی جهت دستیابی به بصیرت، رعایت

تقوای الهی است، خداوند متعال می‌فرماید: «ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا: اگر تقوا بورزید، خداوند قوه تشخیص و جداسازی حق از باطل به شما عنایت می‌کند» (انفال / ۲۹). پرهیزگاری و انجام واجبات و پرهیز از محرمات، به انسان نورانیت و روشن‌بینی درونی می‌بخشد به گونه‌ای که انسان در پرتو آن می‌تواند حق و باطل را از هم تشخیص داده و به راحتی وسوسه‌های شیطانی را بشناسد و خود را از دام آن رهایی بخشد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون: کسانی که پرهیزگاری می‌کنند چون از شیطان وسوسه‌ای به آنها برسد، خدا را یاد می‌کنند، زیرا مردمی صاحب بصیرتند» (اعراف / ۲۰۱).

(و) عبرت گرفتن از مسائل گوناگون: اگر کسی به طور دائم از آنچه که پیرامونش می‌گذرد و یا در گذشته به وقوع پیوسته، به دیده عبرت نگاه کند، به راحتی می‌تواند به نتیجه جریانات واقف شده و با بصیرتی که پیدا می‌کند از گرفتار شدن در هلاکت نجات پیدا کند. حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «فی کل اعتبار استبصاراً: در هر عبرت گرفتنی، بصیرتی است» (تصنیف غررالحکم و درر الکلم: ۴۷۲). (ز) ذکر و یاد الهی: از دیگر راه‌های رسیدن به بصیرت، ذکر و یاد الهی است. حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «من ذکر الله استبصر: هر که یاد کند خدا را، بصیرت یابد» (تصنیف غررالحکم و درر الکلم: ۱۸۹).

(ح) پیمودن مسیر اهل بصیرت: یکی از ویژگی‌های برجسته یاران امام حسین علیه السلام در جریان عاشورا بصیرت بود. امام صادق علیه السلام درباره حضرت عباس علیه السلام، با تعبیر (نافذ البصیره) یاد می‌کنند که گویای عمق شناخت آن شهید عزیز است، (اعیان الشیعه، ج ۷: ۴۳۰). در زیارتنامه حضرت عباس (علیه السلام) شهادت ایشان را از روی بصیرت و براساس اقتدا به صالحان بر شمرده است (مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس (ع): ۴۳۵). در زیارتنامه حضرت مسلم بن عقیل بر بصیرت در مبارزه و شهادت و پیمودن راه شهدای بدر و مجاهدان اسلام و اقتدا به صالحان و پیروی از انبیا تأکید شده است (همتیان، ۱۳۸۹: ۱۳).

عوامل سلبی ارتقای بصیرت

(الف) دل‌بستگی به دنیا: حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «به درستی که دنیا خانه محنت‌ها و جایگاه فتنه‌هاست، کسی که طلب کند آن را، هلاکش کند و کسی که دنبالش نباشد، با او به نیکویی همراهی کند و هر که نظر کند به سوی آن، کور گرداند او را (چشم بصیرت را از او می‌گیرد)» (شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم ج ۲: ۶۳۷). مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«جوانان عزیز، بسیجیان عزیز هر جای کشور که هستید این بصیرت را روزبه‌روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلوی بصیرت‌ها را بگیرد» (بیانات در دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور، ۱۳۷۱/۰۸/۲۷).

ب) گرفتار شدن به شهوات و لذت‌ها: حضرت علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «هرگاه چشم ظاهری، شهوت را ببیند، چشم دل انسان نسبت به عاقبت کار کور شود» (تصنیف غررالحکم و درر الکلم: ۳۰۵). مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «سیاست امروز سیاست اندلسی کردن ایران است؛ چراکه وقتی جامعه‌ای مشغول و گرفتار شهوات شد، دیگر بصیرت خود را نسبت به مسائل پیرامونی از دست می‌دهد و همچون اندلس ممکن است کشور را تقدیم کفار نماید» (همتیان، ۱۳۸۹: ۱۲).

ج) جهل: محمد بن مسلم به امام علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) می‌گوید: «اگر می‌خواهی من همراه تو بجنگم، شمشیری به من بده که مسلمان را از کافر تشخیص دهد». محمد بن مسلم حق و باطل را نمی‌شناسد، جاهل به حقایق و واقعیت‌هاست، این جهل جلوی بصیرت او را گرفته است، اگر جهل را در هم بشکند، هرگز چنین سخن نمی‌گوید. اگر آگاه به عظمت علی (علیه‌السلام) بود که چنین سخن گزافی نمی‌گفت. امروز هم برخی از بی‌بصیرتی‌ها، برخاسته از جهل افراد و گروه‌هاست (شیرازی، ۱۳۸۸: ۱).

د) شخصیت‌زدگی: امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کسی که با معیار اشخاص وارد دین شود، همان افراد او را از دین بیرون می‌برند». اگر ربع این خصیم به جای شخصیت‌زدگی، معیار‌گرا و حق‌گرا بود، نمی‌گفت: «ما با اهل قبله می‌جنگیم!!» عمر سعد در کنار علی (علیه‌السلام) را می‌شود تحسین کرد، اما عمر سعد در عاشورا را چه؟ ابن‌ملجم در کرسی نظم برای علی (علیه‌السلام) را می‌شود ستود، اما ابن‌ملجم قاتل در مسجد کوفه را چه؟ منتظری در کنار امام قابل لطف است، اما منتظری در برابر امام خمینی چه؟! و... ملاک و معیار، حق و اسلام و انقلاب و راه امام و ولایتند. امروز نیز شخص‌گرایی و شخصیت‌زدگی آفت بصیرت و بینایی دل است (شیرازی، ۱۳۸۸: ۱).

ه) خودمحوری: علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اینها دنبال روش پیامبر (صلی‌الله و آله) نیستند. قیامتی را قبول ندارند. پناهگاهشان در مشکلات، خودشانند». خود را پیشوای خود قرار داده‌اند، ملاک و معیار خودشانند، برای آنها "من" مهم است، عامل سقوط شیطان هم همین "من" بود. وقتی خود مطرح شد، خدایی را نمی‌بیند، حقی را نمی‌شناسد، دیگر بصیرتی نیست که بخواهد راه راست را ببیند و در آن راه گام بردارد (شیرازی، ۱۳۸۸: ۱).

و) سطحی نگری: به علی (علیه السلام) می‌گوید: تو حق را نشناخته‌ای! راه تو درست نیست! فرقی بین علی (علیه السلام) و معاویه نمی‌گذارد. چون عمق بین نیست، معاویه را مسلمان می‌شمرد. جنگ علی و معاویه را جنگ دو حق می‌داند و علی (علیه السلام) را از این جنگ برحذر می‌دارد. تصور می‌کند جریانی که انقلاب را نشانه رفته و امریکا برای او هورا می‌کشد، یک جریان در خط امام و مدافع ولایت و قانون است (شیرازی، ۱۳۸۸: ۲).

ز) حجاب معاصرت: وقتی که خبر شهادت حسین بن علی (علیه السلام) به مردم مدینه رسید، گفتند: چه کسی جرأت کرده او را بکشد؟! موضوع را بررسی کردند و خبر آمد: یزید بن معاویه، قاتل حسین بن علی (علیه السلام) است. همان مردم گفتند: امام حسین (علیه السلام) در زمان حیات به ما گفت: اگر یزید حاکم شود، اسلام از بین می‌رود، ولی باور نکردیم. حجاب معاصرت مانع از دیدن حقیقت وجودی حسین (علیه السلام) شد و نگذاشت به تحلیل صحیح سخن مولایشان بپردازند. حجاب معاصرت نگذاشت مردم عصر علی (علیه السلام)، او را تحمل کنند. فرمود: فردا می‌فهمید علی که بود. فردا حقایق پنهان زندگی علی برایتان آشکار می‌شود. پس از علی، علی شناس می‌شوید. پس از علی، از علی دفاع می‌کنید. پس از عاشورا، همراه مختار و جزو توابین می‌شوید. اگر امروز سخنان رهبری را فهمیدیم و عمل کردیم و قدر ولایت را دانستیم، مهم است (شیرازی، ۱۳۸۸: ۲).

ح) وابستگی فامیلی: نوح گفت: خدایا! این پسر من است. خداوند فرمود: او از اهل تو نیست. خدا دست نوح را می‌گیرد و کمکش می‌کند. پسر زبیر او را به وادی انحراف و بی‌بصیرتی برد. قرآن مال و فرزند را فتنه می‌داند. این برای امتحان ماست. عشق به فرزند و همسر و فامیل، کورمان نکند که در برابر حق بایستیم و یک عمر عملکرد مثبت خود را از بین ببریم (شیرازی، ۱۳۸۸: ۲).

ط) گروه‌گرایی: در قرآن کریم از حزب الله و حزب الشیطان یاد شده است و در زمان فترت غرب به معنی امروزی نبود تا با اختلاف افکنی، آب را گل‌آلود کنند و از آن ماهی خود را بگیرند. همین حزب را با ترفند و جنگ روانی به بتی مبدل می‌سازند که فرد، "چشم‌پسته" خود را فدای ارزش‌های آن می‌کند و بر اثر بی‌بصیرتی، گاه در مقابل ارزش‌های الهی و دین و انقلاب می‌ایستد. به جای معیار قراردادن حق، حزب و گروه معیار قرار می‌گیرد. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند. آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد»، امر بر عده‌ای مشتبه می‌شود و بین مؤمن و منافق نمی‌شود فرق گذاشت. در این وادی، تشخیص حق و باطل، سخت است و تنها اهل بصیرت نجات می‌یابند (شیرازی، ۱۳۸۸: ۳).

ویژگی‌های فرماندهان سپاه

الف) تبلور ارزش‌ها و معیارهای دینی: پاسداران به‌عنوان نیروهای متدین و انقلابی، امتیاز بالایی را در معرفت دینی، معنویت و بصیرت و بینش سیاسی دارا می‌باشند که تعلق به ارزش‌های مکتبی در رفتار، کردار، عملکرد و مدیریت آنها آشکار است (مصاحبه با مسئولین قرب).

ب) مردمی‌بودن: سپاه که نهادی برخاسته از متن توده‌های متدین جامعه است، همواره یکی از ویژگی‌های ذاتی خود را که مردمی‌بودن بوده، حفظ کرده است، این ویژگی با شجره طیبه بسیج نهادینه گشت و این امتیاز، سپاه را به یک قدرت ملی مردمی در نظام جمهوری اسلامی تبدیل کرد (مصاحبه با مسئولین قرب).

ج) ولایی‌بودن: اعتقاد و التزام و عشق به ولایت در وجود پاسداران، یکی از ویژگی‌های برجسته سپاه است و این ویژگی سپاه را به‌عنوان نهاد مکتبی و ولایی در جامعه ایران معروف کرده است (مصاحبه با مسئولین قرب).

د) شهادت‌طلبی: روحیه و خصلت فداکاری، ایثار، جانفشانی برای آرمان‌های دینی و انقلابی با روحیه شجاعت، این توان را به سپاه داده که در مواجهه با دشمنان با تمام قدرت ایستادگی نماید. ایستادگی همت‌ها، بروجردی‌ها، خرازی‌ها و کلاهدوزها در مقابله با ضدانقلاب داخلی و دشمنان متجاوز در حماسه هشت سال دفاع مقدس، تابلویی زرین و افتخارآفرین از نقشه برجسته سپاه را ترسیم نموده است (مصاحبه با مسئولین قرب).

مفهوم شناسی جنگ نرم

جنگ نرم، مترادف اصطلاحات بسیاری در علوم سیاسی و نظامی است. در علوم نظامی از واژه‌هایی مانند جنگ روانی یا عملیات روانی و در علوم سیاسی از واژه‌هایی چون براندازی نرم، تهدید نرم، انقلاب مخملین و اخیراً به واژه انقلاب رنگین برای تبیین این اصطلاح، استفاده می‌شود. گاهی به‌جای جنگ از واژه‌های تهدید یا قدرت نیز استفاده می‌شود، ولی درنهایت هر دو به یک مفهوم ختم می‌شوند. نظریه جنگ نرم طی دهه‌های اخیر وارد ادبیات سیاسی شده است. "جوزف‌نای" از اندیشمندان معاصر معتقد است، مبنای قدرت "اجبار" و مبنای قدرت نرم بر "اقتناع" است، او برخلاف بعضی از صاحب‌نظران اقتصاد و دیپلماسی را در زیرمجموعه قدرت سخت قرار داده و تنها از رسانه به‌عنوان قدرت نرم نام می‌برد. در تمامی اصطلاحات بالا هدف مشترک، تحمیل اراده گروهی بر گروه دیگر، بدون استفاده از راه‌های نظامی است. مبنای قدرت سخت یا جنگ سخت بر "اجبار" و مبنای

قدرت نرم بر "اقتناع" است. (www.tebyan.net)، اصطلاح جنگ نرم^۱ که در مقابل جنگ سخت^۲ مورد استفاده واقع می‌شود، یکی از مفاهیم متداول راهبردشناسان، نظریه‌پردازان و کارشناسان علوم اجتماعی و سیاسی است؛ ارتش آمریکا در مارس ۱۹۵۵ در آیین‌نامه رزمی خود تعریف ویژه‌ای از جنگ نرم ارائه کرد: «استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن (گروه بی‌طرف و یا گروه دوست) است، به‌نحوی که پشتیبانی برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی باشد». ویلیام داوتی جنگ نرم را «مجموعه اقداماتی که از طرف یک کشور به‌منظور اثرگذاری و نفوذ بر عقاید و رفتار دولت‌ها و ملت‌های دیگر در جهت مطلوب و با ابزارهایی غیر از ابزار نظامی سیاسی و اقتصادی انجام می‌شود» می‌داند (قربانی، ۱۳۸۸: ۱). جان کالینز، نظریه‌پرداز دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود، می‌داند» (کالینز، ۱۳۷۰: ۴۸۷). معروف‌ترین تعریف را جوزف‌نای، در حوزه "قدرت نرم" در سال ۱۹۹۰م ارائه نمود. او قدرت نرم را «توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران» تعریف کرد؛ تعریفی که قبل از وی «پروفسور حمید مولانا» در سال ۱۹۸۶ در کتاب "اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین‌الملل" به آن اشاره کرده بود. بااین‌وجود، مهم‌ترین کتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف‌نای در سال ۲۰۰۴، تحت عنوان "قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی" منتشر نمود (قربانی، ۱۳۸۸: ۱). در جنگ نظامی، توانایی متکی به قدرت سخت (ابزارآلات، ادوات، تجهیزات و...) است، ولی در جنگ نرم، توانایی متکی به قدرت نرم است. قدرت نرم^۳ توانایی رسیدن به اهداف و خواسته‌ها بدون اعمال فشار و ایجاد اجبار و اکراه است. درواقع، با قدرت نرم، خواسته‌ها و اهداف از طریق جذب و متقاعد کردن طرف مقابل به‌دست می‌آید. جنگ نرم یا تهدید نرم^۴ به‌لحاظ مفهومی ارتباط تنگاتنگ دارند. تهدید نرم، تهدیدی است؛ نامحسوس، بدون منازعه مستقیم و استفاده از ابزار فیزیکی که به‌دنبال تغییر باورها، افکار و رفتارهاست. جنگ نرم، روشی برای جنگ و غلبه برطرف مقابل، بدون استفاده از ابزار و زور نظامی اولیه و به‌صورت جذبی و اقناعی است. در این جنگ، دشمن تلاش می‌کند با اقدام‌های نرم‌افزارانه و روانی، حوزه افکار و باورهای جامعه را به‌منظور تحقق اهداف خود اشغال کند (جوئی، ۱۳۸۸: ۸). تهدید نرم، نوعی سلطه

1. Soft Warfare
2. Hard Warfare
3. Soft Power
4. Soft Threat

کامل در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه‌ای تهدید، محقق می‌شود. با این نگرش، تمامی اقداماتی که موجب شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی (زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست) به خطر افتد، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور شود، تهدید نرم به‌شمار آید. در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر یک ملت تحمیل می‌کند. تردید در مبانی و زیرساخت‌های فکری یک نظام سیاسی، بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه، بحران در الگوهای رفتاری جامعه و بحران‌های پنج‌گانه سیاسی (هویت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ و توزیع) را می‌توان از مؤلفه‌های این تهدید نام برد. تغییرات حاصل از تهدید نرم، ماهوی، آرام، ذهنی، تدریجی و نرم‌افزارانه است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنفی و قشری و شیوه القا و اقناع انجام می‌پذیرد (نائینی، ۱۳۸۸: ۵).

تاریخچه جنگ نرم

جنگ نرم و مفاهیم همسان آن از قبیل: عملیات روانی، جنگ روانی، قدرت نرم، جنگ سفید و...، قدمتی به اندازه حیات بشری دارد. نوع نگاه، زاویه دید، ارتباطات چهره‌به‌چهره و غیر کلامی، ساده‌ترین و قدیمی‌ترین روش‌های عملیات روانی و جنگ نرم است. برخی، قدیمی‌ترین روایت پیرامون جنگ نرم را به نبرد کیدئون با ماد نسبت می‌دهند. در این جنگ، سپاهیان کیدئون با افزایش چندین برابری مشعل‌های لشکریان، باعث فریب و ترس مادها شدند و بدون هیچ درگیری به پیروزی دست یافتند. با این وجود، «جنگ نرم» با مختصات نظری و پراتیک جدید خود بعد از شروع جنگ سرد و در اوج آن یعنی در دهه ۱۹۷۰ با مشارکت اساتید برجسته علوم سیاسی و علوم ارتباطات از جمله جوزف نای، هارولد لاسول، جان کالینز، اعضای برجسته آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)^۱ و فرماندهان ارشد پنتاگون با تأسیس مرکزی تحت عنوان «کمیته خطر جاری» طراحی، تدوین و عملیاتی شد که مهم‌ترین هدف آن بمباران تبلیغاتی علیه بلوک شرق و به‌ویژه شوروی بود که ظاهراً بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این کمیته به «کمیته صلح جاری» تغییر نام داده و همچنان فعال است و کانون تهاجمات روانی آن جهان اسلام و به‌ویژه ایران و هواداران منطقه‌ای آن از جمله حزب‌الله، حماس و

1 - Central Intelligence Agency (CIA)

کشورهای دوست ایران است (قربانی، ۱۳۸۳: ۳). کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران نمونه بارزی از براندازی نرم بود که با تظاهرات افرادی انجام شد که عده‌ای از آنان، از اشرار و اوباش به حساب می‌آمدند. نمونه تازه‌تری از براندازی نرم را در اتحاد جماهیر شوروی سابق می‌توان دید (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

اهمیت و ابعاد تهدیدات نرم

پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است. هرچه یک حکومت، مبانی فکری و اعتقادی و الگوهای رفتاری دیگران را به چالش بیشتری کشانده باشد، از تهدیدات بیشتری برخوردار خواهد بود. تهدیدات فرهنگی که از آن به تهاجم فرهنگی و یا تهدید نرم یاد می‌شود، به دنبال ایجاد انواع بحران‌های فرهنگی - سیاسی در جامعه برای دستیابی به اهداف و اغراض سیاسی است. هدف اصلی از این نوع تهدید، حذف باورمندی جامعه، سلب اراده و روحیه مقاومت و در مجموع استحاله فرهنگی - سیاسی است. در این نوع تهدید تلاش می‌شود ملتی دارای آرمان به ملت بی‌آرمان تبدیل شود و آن هم به دست خود؛ یعنی الگوهای رفتاری خود را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به چالش اندازد. بنابراین، تهدید نرم، امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و در عین حال، خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می‌توان با کم‌ترین هزینه با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی به هدف رسید؛ زیرا با عواطف، احساسات، فکر و اندیشه و باور و ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت و نظام سیاسی ارتباط دارد. ابعاد این جنگ و تهدید دین، فکر و آرمان ملت‌ها را آماج تهاجم خود قرار می‌دهد (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۲). با ظهور فناوری جدید و علوم ارتباطات، ظهور وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های متنوع نوین، ابعاد تهدید نرم، گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. بخش قابل توجهی از نظریه‌های جدید امنیتی و راهبردهای قدرت‌های سلطه‌گر، به ویژه راهبرد امنیت ملی و منطقه‌ای آمریکا بر کاربرد قدرت نرم تأکید دارد. بسیاری از صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهدیدات قرن ۲۱ را تهدیدات نرم و یا جهانی‌سازی فرهنگ می‌دانند. در هیچ زمانی، دولت‌مردان آمریکا تا این میزان بر مضامین ارزشی و اخلاقی به عنوان منابع نرم قدرت تأکید نداشته‌اند (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۳).

قدرت ملی و قدرت نرم

قدرت ملی را می‌توان امکان تحمیل اراده یک بازیگر به دیگر بازیگران تعریف کرد. زمانی که کشوری توانایی، اراده و ظرفیت لازم را در اختیار دارد و در پرتو آن می‌تواند، اهداف و ارزش‌های

حیاتی خود را حفظ، توسعه و تعمیق بخشد، در واقع، آن کشور از قدرت ملی لازم برخوردار است. قدرت ملی دارای مؤلفه‌های نظامی، سیاسی، فناوری، اقتصادی، ژئوپلیتیکی، انسانی، فرهنگی و... است. قدرت در چهره جدید خود با فرهنگ و اندیشه آمیخته شده و در نظریه‌های جدید عمده‌تأ ماهیت نرم‌افزارانه پیدا نموده است. کشوری می‌تواند اهداف و مقاصد ملی خود را پیش ببرد که قدرت بیشتری را به صحنه بیاورد و به بهترین روش، قدرت حریف را تضعیف نماید. قدرت ملی شامل: قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، فرهنگی، تبلیغی و... است. برجسته‌ترین مظهر و نمود قدرت ملی، قدرت فرهنگی به معنای عام و قدرت روانی - تبلیغی به معنای خاص است که بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند این بعد قدرت را که ما در این مقاله به عنوان قدرت نرم معرفی نموده‌ایم، افزایش و گسترش داده و با استفاده از این وجه قدرت، بر سایر بازیگران تأثیر گذاشته و آنها را از میدان رقابت خارج سازند. ویژگی این وجه از قدرت، با مفهوم اقناع و رضایت‌مندی همراه است (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۷).

سطوح قدرت نرم

الف) سطح راهبردی قدرت نرم: این سطح از قدرت نرم، متأثر از فرهنگ راهبردی کشور و به رهبران و نخبگان یک کشور بازمی‌گردد و بالاترین سطح رویارویی قدرت نرم تلقی می‌شود. هدف اصلی در این سطح، افزایش قدرت هنجارسازی خود و تضعیف قدرت هنجارسازی حریف در محیط بین‌المللی است. به هر میزان که بازیگران بتوانند در این سطح قدرت ایجاد کنند و یا بر قدرت هنجارسازی دیگران تأثیر بگذارند، امکان پیروزی بیشتری خواهند داشت. هدف از این تهدید در این سطح، اجرای عملیات روانی راهبردی، تأثیرگذاری بر برآوردها و شناخت نخبگان و رهبران حریف (تأثیر بر شناخت) و همچنین ارباب و تأثیر بر عزم و اراده (تأثیر بر روحیه و قدرت ایستادگی) آنان است (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۷).

ب) سطح میانی قدرت نرم: این سطح از قدرت نرم بر عنصر مردمی قدرت ملی کشور تأکید دارد. قدرت نرم در این سطح، از فرهنگ ملی متأثر است. این سطح از اهداف سطح راهبردی پشتیبانی می‌کند و به تصمیمات نخبگان و رهبران مشروعیت بخشیده و بر عزم و اراده آنها تأثیر می‌گذارد. هدف سطح میانی تهدید نرم، سلب اراده و انگیزه از مردم و بی‌تفاوت‌نمودن جمعیت‌های همراه و تبدیل آنها به جمعیت‌های معارض، مخالف و بی‌تفاوت و شکل دادن به نافرمانی‌های مدنی با ایجاد شکاف بین دو سطح راهبردی و میانی است. تهدید نرم، در این سطح می‌تواند بر میزان حمایت مردم از سیاست‌های

نظام و نخبگان مؤثر باشد، همچنین حمایت عاطفی - روانی نیروهای مسلح تحت تأثیر این سطح است، در صورتی که کشوری از قدرت نرم لازم در این سطح برخوردار باشد، به طور طبیعی آن کشور، فاقد بحران‌های پنج‌گانه سیاسی، مشروعیت، نفوذ، مشارکت، توزیع و هویت خواهد بود و بازدارندگی مردمی در برابر تهدید نرم شکل خواهد گرفت؛ در مقابل، وجود بحران‌های پنج‌گانه فوق و همچنین نبود قدرت هنجاری و الگوهای رفتاری برتر و کارآمد و با قابلیت نهادینه‌نمودن در حوزه فرهنگ ملی می‌تواند یک کشور را آسیب‌پذیر کند (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۸).

ج) سطح تاکتیکی قدرت نرم: پایین‌ترین سطح رویارویی قدرت نرم در سطح نیروهای مسلح کشور شکل می‌گیرد. این سطح از قدرت نرم از فرهنگ دفاعی کشور متأثر است. در این سطح از قدرت نرم، تقابل اراده و روحیه جنگی رزمندگان دو یا چند کشور در میدان نبرد شکل می‌گیرد. هدف اصلی از تهدید نرم در این سطح، سلب اراده و روحیه مقاومت در جبهه حریف است (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۸).

ابعاد تهدید نرم

الف) در حوزه فرهنگ: فرهنگ، بیانگر شخصیت و هویت ملی کشور و دستاورد معرفتی انسان و جوامع است. فرهنگ کشور دارای سه سطح کلی است: مفروضات اساسی و زیرساخت‌های فکری (باورهای) هر کشور، فرهنگ تلقی می‌شود. همچنین فرهنگ ملی کشور، دارای مجموعه‌ای از باورها، نیایدها و ارزش‌هاست که سطح دوم آن را تشکیل می‌دهد و در نهایت الگوهای رفتاری و اقدام یک کشور، لایه سوم فرهنگ ملی تلقی می‌شود. باین توصیف، می‌توان گفت ابعاد تهدید نرم در حوزه فرهنگ عبارت است:

الف) تهدید باورهای (مفروضات اساسی) کشور در سه سطح نخبگان، مردم، نیروهای مسلح؛

ب) تهدید ارزش‌های اساسی کشور در سه سطح نخبگان، مردم، نیروهای مسلح؛

ج) تهدید الگوهای رفتاری کشور در سه سطح نخبگان، مردم، نیروهای مسلح (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۹).

ب) در حوزه سیاسی: دولت‌ها به‌مثابه واحد سیاسی در نظام بین‌الملل با مؤلفه‌های جمعیت، قلمرو، حکومت و حاکمیت و نظام ارزشی مشخص، شناخته می‌شوند. هر نظام سیاسی برای حفظ بقامندی خود، نیازمند ثبات سیاسی و انسجام ملی است. بنابراین، افزایش مشروعیت سیاسی نخبگان و رهبران یک کشور به توانایی‌های آنها در ایجاد انسجام سیاسی و برخورداری از حمایت، رضایت‌مندی و قدرت اقناع‌سازی افکار عمومی بستگی دارد. به‌طور طبیعی، در صورتی که دولتی نتواند قدرت سیاسی لازم را در حوزه داخلی و خارجی ایجاد کند، با بحران‌ها و تهدیدات مختلف سیاسی مواجه خواهد شد.

میزان اقتدار سیاسی کشور در جامعه، میزان انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ هویت و یکپارچگی ملی و میزان تولید و بازتولید هنجارهای سیاسی، به‌جریان‌انداختن گفتمان‌های مسلط در درون جامعه و در عرصه بین‌المللی و برخورداری از مقبولیت و مشروعیت لازم از شاخص‌های قدرت نرم در این حوزه به‌شمار می‌آید. ایجاد شکاف بین مردم و رهبران، نبود حمایت مردمی و مشروعیت‌بخشی به تصمیمات رهبران و شکل‌گیری نافرمانی‌های مدنی در جامعه، بحران مشروعیت به‌وجود می‌آورد. انگیزه‌زدایی و دل‌سرد کردن مردم برای حضور در عرصه‌های تعیین‌کننده کشور، از مصادیق بارز بحران مشارکت است. مجموعه این موارد قدرت نرم یک نظام سیاسی را کاهش می‌دهد و به‌طور طبیعی آن نظام را در برابر تهدید نرم آسیب‌پذیر می‌کند (نائینی، ۱۳۸۸: ۲۰).

اهداف جنگ نرم

۱. ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها: مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف جنگ نرم، ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها و اعتقادات جامعه هدف است. اعتقادات و باورها، اساس حرکت یک جامعه به‌شمار می‌آیند. هر انسانی براساس باورها و اعتقادات خود به زندگی‌اش جهت می‌دهد. بنابراین، اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه خلل یا تغییری ایجاد کنند، باید به سراغ تغییر باورها و اعتقادات آنان بروند. بنابراین، در جنگ نرم، اساسی‌ترین هدف، ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات است (جوانی، ۱۳۸۸: ۸).

۲. ایجاد تغییر در افکار و اندیشه‌ها: هدف عمده دیگر در جنگ نرم، ایجاد تغییر در افکار جامعه است. چنانچه دشمنان یک ملت، با جنگ نرم بتوانند، در باورها و اعتقادات یک ملتی رسوخ کرده و با ایجاد شک و تردید، آن باورها و اعتقادات را مخدوش و متزلزل نمایند، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای هدف بعدی، یعنی ایجاد تغییر در چگونگی فکر کردن و اندیشیدن در حوزه‌های گوناگون فراهم می‌شود (جوانی، ۱۳۸۸: ۸).

۳. ایجاد تغییر در رفتار: رفتارهای یک جامعه، مبتنی بر اعتقادات، باورها و چگونگی فکر کردن و اندیشیدن افراد آن جامعه است. با تغییرات اساسی در این مبانی، مدل‌های رفتاری در حوزه‌های گوناگون تغییر می‌کند. در واقع، مدل‌های رفتاری در هر جامعه‌ای، براساس نوع باورها و اعتقادات و چگونگی فکر و اندیشه در آن جامعه شکل می‌گیرد. بدیهی است که با تغییر هر نوع باور و اندیشه‌ای، الگوهای رفتاری جدید براساس باورها و افکار جدید جایگزین الگوهای قبلی می‌شود (جوانی، ۱۳۸۸: ۸).

۴. ایجاد تغییر در ساختار سیاسی: هدف نهایی در جنگ نرم، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی جامعه هدف و جایگزین کردن ساختارهای جدید است. در یک جامعه، مردم در شرایطی با نظام سیاسی خود به چالش بر می‌خورند که دیگر آن را مشروع ندانند و ازنظر آنان مسئولان سیاسی مقبولیت خود را از دست داده باشند. بنابراین، مشروعیت‌زدایی و مقبولیت‌زدایی برای ایجاد بحران، ناآرامی و بی‌ثبات‌سازی در جامعه هدف، از کارویژه‌های اصلی جنگ نرم محسوب می‌شود. براساس چنین جمع‌بندی بود که دشمنان از دهه دوم انقلاب با هدف ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات مردم ایران، تهاجم فرهنگی خود را آغاز و تهدیدات نرم آنان، وارد مرحله جنگ نرم شده است (جوانی، ۱۳۸۸: ۹).

ویژگی‌های جنگ نرم

ماهیت جنگ نرم، ویژگی غیرخشونت‌آمیز بودن آن است. جنگ نرم به دلیل پیچیدگی و اتکا به قدرت نرم از ویژگی‌های بسیار زیاد و متنوع برخوردار است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. جنگ نرم در پی تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی است، ۲. جنگ نرم، آرام، تدریجی و زیرسطحی است، ۳. جنگ نرم، نمادساز است، ۴. جنگ نرم، پایدار و بادوام است، ۵. جنگ نرم، پرتحرک و جاذبه‌دار است، ۶. جنگ نرم، هیجان‌ساز است، ۷. جنگ نرم، آسیب‌محور است، ۸. جنگ نرم، چندوجهی است، ۹. جنگ نرم، تضادآفرین است، ۱۰. جنگ نرم، تردیدآفرین است، ۱۱. جنگ نرم از ابزار روز استفاده می‌کند (جوانی، ۱۳۸۸: ۱۲).

تاکتیک‌های (راهکنش) جنگ نرم

۱. برچسب‌زدن: براساس تاکتیک برچسب‌زدن رسانه‌ها، واژه‌های مختلف را به صفات مثبت و منفی تبدیل و آنها را به آحاد یا نهادهای مختلف نسبت می‌دهند؛ برچسب‌زنی یا اسم‌گذاری (برچسب به یک فکر و یا عقیده زدن) برای تحریک به رد فکر و اندیشه‌ای، بدون بررسی شواهد است. به‌عنوان نمونه، به مقاومت مشروع مردم مظلوم فلسطین و لبنان، برچسب تروریسم می‌زنند و حمایت ایران از این مبارزین را حمایت از تروریسم می‌نامند و با تبلیغات رسانه‌ای افکارعمومی را دستکاری می‌کنند (jangekhamush.blogfa.com).

۲. تلطیف و تنویر: تلطیف و تنویر در مواردی استفاده می‌شود که چیزی را بدون بررسی شواهد، بپذیریم و تصدیق کنیم. مانند آنکه رسانه‌های ارتباط جمعی از سوی مفهوم «حقوق بشر و آزادی» را پرفضیلت جلوه داده و از سوی دیگر غرب را مهد آزادی و مدافع حقوق بشر قلمداد می‌کنند، درحالی‌که

- بیشترین نقص حقوق بشر و آزادی در این کشورها صورت می‌گیرد (jangekhamush.blogfa.com).
۳. انتقال: تاکتیک انتقال یعنی اینکه اقتدار، حرمت و منزلت امر مورد احترام به چیزی دیگر برای قابل قبول تر کردن آن منتقل شود؛ استفاده از نمادهای مذهبی و یا ملی و انتساب به اشخاص و جریان‌هایی که مورد احترام توده‌های عمومی مردم هستند، تاکتیک انتقال است. در این تاکتیک از ابزارهای گوناگون از جمله طنز، کایکاتور، داستان کوتاه، شعر و موسیقی استفاده می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).
۴. تصدیق: تصدیق یعنی شخصی که مورد احترام یا منفور است؛ بگوید فکر، برنامه یا محصول یا شخص معینی خوب یا بد است. تصدیق فنی رایج در تبلیغ مبارزات سیاسی و انتخاباتی است. حمایت اشخاص معروف همچون سیاست‌مداران، هنرمندان، ورزشکاران و دانشمندان و نیز گروه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از فردی یا جریانی تصدیق عنوان می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).
۵. شایعه: شایعه در فضایی تولید می‌شود که امکان دسترسی به اخبار و اطلاعات موثق امکان‌پذیر نباشد، به عبارتی شایعه در جایی ایجاد می‌شود که خبر نباشد و یا خبر از منابع موثق منتشر نشود. اگرچه هر شایعه دربرگیرنده بخش قابل توجهی از واقعیت می‌تواند، باشد، (تاکتیک تسطیح در شایعه‌سازی) ولی ضریب نفوذ آن بستگی به درجه ابهام و اهمیت آن دارد؛ باید توجه داشت که در شایعه‌سازی از تاکتیک‌های گوناگون از جمله تسطیح، همانندسازی، برجسته‌سازی (بزرگ‌نمایی) و... نیز استفاده می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).
۶. کلی‌گویی: در تاکتیک کلی‌گویی، ذهن مخاطب متوجه حواشی و شاخ و برگ نشده و در رابطه با هسته مرکزی پیام، حساسیت نداشته و آن را بدون بررسی و کنکاش می‌پذیرد که به همین دلیل، برخی این تاکتیک را «بی‌حس‌سازی مغزی» می‌نامند (jangekhamush.blogfa.com).
۷. دروغ بزرگ: تاکتیک دروغ بزرگ هنوز هم مورد استفاده فراوان است، عمدتاً برای مرعوب کردن و فریب ذهن حریف مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین معنا که پیامی را که به هیچ‌وجه واقعیت ندارد، بیان می‌کنند و مدام بر طبل تکرار می‌کوبند تا ذهن مخاطب آن را جذب کند. رئیس دستگاه تبلیغاتی نازی‌ها، گوبلز، درباره این تاکتیک معتقد است؛ دروغ هرچه بزرگتر باشد، باور آن برای مردم راحت‌تر است (jangekhamush.blogfa.com).
۸. تکرار: تکرار یکی دیگر از تاکتیک‌های دشمن است، به طوری که در این روش با تکرار پیام، سعی در القای مقصودی معین و جانداختن پیامی در ذهن مخاطب دارند؛ تکرار از لحاظ روان‌شناسی در

تشکیل «عادت» بسیار مفید است، به ویژه اگر با دقت توأم باشد. بدون تکرار، تثبیت و تقویت دقیق تر، «عادت» میسر نخواهد شد. روش تکرار از قواعد خاصی پیروی می کند، زیرا فاصله های تکرار، نباید چنان دراز باشد که سبب محو شدن آثار قبلی شود و نه چندان کوتاه باشد که ملال انگیز و خسته کننده شود (jangekhamush.blogfa.com).

۹. پاره حقیقت گویی: در تاکتیک پاره حقیقت گویی نیز گاهی خبر یا سخنی مطرح می شود که از نظر منبع، محتوای پیام، مجموعه ای به هم پیوسته و مرتب است که اگر بخشی از آن نقل و بخشی نقل نشود، جهت و نتیجه پیام منحرف خواهد شد. رسانه ها معمولاً متناسب با جایگاه و جناح سیاسی که به آن متمایل هستند، بخشی از خبر را نقل و بخشی را نقل نمی کنند. در تاکتیک «پاره حقیقت گویی» حذف یکی از عناصر خبر به عمد صورت می گیرد و بیشتر اوقات عنصر «چرا» حذف می شود؛ نوع تیرها و محتوای روزنامه ها و رسانه ها در مواقع سخنرانی مقامات عالی نظام نشانگر بهره گیری از این تاکتیک است (jangekhamush.blogfa.com).

۱۰. انسانیت زدایی و اهریمن سازی: یکی از مؤثرترین شیوه های توجیه حمله به دشمن هنگام جنگ (نرم و یا سخت)، تاکتیک انسانیت زدایی است. چه اینکه وقتی حریف از مرتبه انسانی خویش تنزیل یافت و در قامت اهریمنی در ذهن مخاطب ظاهر شد، می توان اقدامات خشونت آمیز علیه این دیو و اهریمن را توجیه کرد. در این تاکتیک با استفاده از برجسب زنی صفات منفی به حریف از جمله دزد، قاتل و دروغگو به توجیه حملات و تهاجمات علیه رقیب می پردازند (jangekhamush.blogfa.com).

۱۱. ارائه پیشگویی های فاجعه آمیز: تاکتیک ارائه پیشگویی های فاجعه آمیز نیز از جمله تاکتیک هایی است که دشمنان قسم خورده نظام به فراوانی از آن استفاده کرده اند؛ در این تاکتیک با استفاده از آمارهای ساختگی و سایر شیوه های جنگ روانی به ارائه پیشگویی های مصیبت بار می پردازند که بتوانند حساسیت مخاطب را نسبت به آن افزایش و براساس میل و هدف خویش افکار وی را هدایت نمایند. ارائه اخبار و آمارهای آلوده به دروغ از وضعیت سیاسی، اقتصادی و فاجعه آمیز بودن آینده کشور حریف در صورت تداوم وضع موجود، ذیل این تاکتیک تعریف و بعضاً شعار «تغییر» نیز در این رابطه از سوی برخی ها پیگیری می شود (jangekhamush.blogfa.com).

۱۲. قطره چکانی: در تاکتیک قطره چکانی نیز اطلاعات و اخبار در زمان های گوناگون و به تعداد بسیار کم و به صورتی سریالی ولی نامنظم در اختیار مخاطب قرار می گیرد تا مخاطب نسبت به پیام مربوطه حساس شده و در طول یک بازه زمانی آن را پذیرا باشد (jangekhamush.blogfa.com).

۱۳. حذف (سانسور): در تاکتیک حذف یا سانسور، فضایی مناسب برای سایر تاکتیک‌ها به‌ویژه شایعه، خلق می‌شود تا زمینه نفوذ آن افزایش یابد. در این تاکتیک با حذف بخشی از خبر و نشر بخشی دیگر، به ایجاد سؤال و مهم‌تر از آن ابهام می‌پردازند و بدین ترتیب زمینه تولید شایعات گوناگون خلق می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).

۱۴. جاذبه‌های جنسی: استفاده از نمادهای ارویتیکال از تاکتیک‌های مهم مورد استفاده رسانه‌های غربی است، به‌طوری‌که می‌توان گفت اکثر قریب به اتفاق برنامه‌های رسانه‌های غربی از این جاذبه در جهت جذب مخاطبان خویش به‌ویژه جوانان که فعال‌ترین بخش جامعه هستند، بهره می‌گیرند (peopleinsoftwar.blogfa.com).

۱۵. ماساژ پیام: یکی از معروف‌ترین تاکتیک‌های دشمن، ماساژ پیام است، به‌طوری‌که دشمنان از انواع تاکتیک‌های گوناگون (حذف، کلی‌گویی، پاره حقیقت‌گویی، زمان‌بندی و قطره‌چکانی) جنگ نرم استفاده می‌کنند تا پیام براساس اهداف تعیین شده شکل گیرد و بتواند تصویر مورد انتظار را در ذهن مخاطب ایجاد کند. در این روش، پیام با انواع تاکتیک‌ها ماساژ تا از آن مفهوم و مقصودی خاص برآید (jangekhamush.blogfa.com).

۱۶. ایجاد تفرقه و تضاد: از جمله اموری که در فرایند جنگ نرم مورد توجه واقع می‌شود، تضعیف از طریق تزریق تفرقه در جامعه هواداران و حامیان حریف است. ایجاد و القای وجود تضاد و تفرقه در جبهه رقیب، باعث عدم انسجام و یکپارچگی شده و رقیب را مشغول مشکلات درونی جامعه حامیان خود می‌کند و از این طریق از اقتدار و انرژی آن کاسته و قدرتش فرسوده می‌شود (peopleinsoftwar.blogfa.com). تاکتیک ایجاد تفرقه و تضاد موجب ایجاد «گسست» می‌شود، نظیر گسست قومیت، مذهب، دین، جنسیت، زبان و نژاد. مهم‌ترین هدف این تاکتیک، ایجاد گسست بین مردم و نظام سیاسی است که باعث تزلزل و تنزل اعتماد عمومی مردم و مقبولیت و پذیرش رژیم سیاسی می‌شود (jangekhamush.blogfa.com).

۱۷. ترور شخصیت: یکی از تاکتیک‌های مهم دشمن در جنگ نرم، ترور شخصیت است، به‌طوری‌که در این جنگ برخلاف جنگ سخت، ترور فیزیکی جای خود را به ترور شخصیت می‌دهد. زمانی که نمی‌توان و یا نباید فردی مورد ترور فیزیکی قرار گیرد، با استفاده از نظام رسانه‌ای و انواع تاکتیک‌ها از جمله بزرگ‌نمایی، انسانیت‌زدایی و اهریمن‌سازی، وی را ترور شخصیت می‌کنند و از این طریق باعث افزایش نفرت عمومی و کاهش محبوبیت وی می‌شوند. دشمنان انقلاب و نظام اسلامی با استفاده از این تاکتیک و بهره‌گیری از ابزارهای مانند طنز، کاریکاتور، شعر و کلیپ‌های کوتاه که عموماً

از طریق اینترنت و تلفن همراه، پخش می‌شود، به ترور شخصیت برخی افراد سیاسی و فرهنگی موجه و معتبر در نزد مردم می‌پردازند (jangekhamush.blogfa.com).

۱۸. مبالغه: مبالغه یکی دیگر از روش‌هایی است که با اغراق کردن و بزرگ‌نمایی یک موضوع، سعی در اثبات یک واقعیت دارد. کارشناسان جنگ روانی، از این فن در مواقع و وقایع خاص استفاده می‌کنند. غربی‌ها همواره با انعکاس مبالغه‌آمیز دستاوردهای فناورانه خود و اغراق در ناکامی‌های کشورهای جهان اسلام سعی در تضعیف روحیه مسلمانان در تقابل با تمدن غربی دارند (jangekhamush.blogfa.com).

۱۹. مغالطه: تاکتیک مغالطه نیز شامل؛ گزینش و استفاده از اظهارات درست یا نادرست، مشروح یا مخشوش و منطقی یا غیرمنطقی است، به این منظور که بهترین یا بدترین مورد ممکن را برای یک فکر، برنامه، شخص یا محصول ارائه داد (jangekhamush.blogfa.com).

ابزارها و بازیگران جنگ نرم

تمامی ابزارهای حامل قدرت نرم را باید به‌عنوان ابزارهای جنگ نرم مورد توجه و شناسایی قرار داد. این ابزارها انتقال‌دهنده پیام‌ها با اهداف خاص هستند. در کنار فضای مجازی اینترنتی، رسانه‌ها شامل؛ رادیو، تلویزیون و مطبوعات، عرصه‌های هنر شامل؛ سینما، تئاتر، نقاشی، گرافیک و موسیقی، انواع سازمان‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های انسانی در زمره ابزار جنگ نرم به‌شمار می‌آیند. افرادی که این ابزارها را به کار می‌برند، سربازان و نظامیان تفنگ‌به‌دست و پیام‌های ارسالی، گلوله‌هایی است که از این تجهیزات شلیک می‌شود. در صحنه جنگ نرم دو گروه کنشگر و بازیگر اصلی وجود دارد. بازیگران مهاجم، کسانی که جنگ نرم را به راه انداخته و کسانی که به مقابله با جنگ نرم می‌پردازند. بازیگران جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی را می‌توان به دو گروه خارجی و داخلی تقسیم‌بندی کرد. بازیگران جنگ نرم را براساس نقشی که برعهده دارند، می‌توان به هشت طبقه، شامل: سیاست‌گذاران، اندیشه‌سازان، برنامه‌سازان، کارگزاران، پردازشگران، بازی‌گردانان، بازیگران و بازی‌خوردگان تقسیم‌بندی کرد. سه طیف اول از بازیگران جنگ نرم در گروه بازیگران خارجی قرار دارند. این سخن به آن معناست که قرارگاه اصلی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی در خارج از کشور وجود دارد و گروه‌ها و افراد داخلی، حتی سردمداران فتنه از سوی خارجی‌ها خواسته یا ناخواسته مدیریت می‌شوند. مهم‌ترین بازیگران خارجی جنگ علیه جمهوری اسلامی عبارتند از: سرویس‌های جاسوسی و امنیتی مانند سیا، پنتاگون، موساد و ... ، نهادهای رسمی و دولتی امریکا، رژیم صهیونیستی، انگلیس، آلمان،

فرانسه و...، نهادها، مؤسسات و بنیادهای بین‌المللی و کمپانی‌های رسانه‌ای (جوانی، ۱۳۸۸: ۱۸).

زمینه‌های پیدایش تهاجم فرهنگی و جنگ نرم

۱. بسترها و عوامل بیرونی: زمینه‌ها و ابزاری که به‌نحوی رد پای کشورهای خارجی و غربی در آنها دیده می‌شود، بسترهای بیرونی هستند از جمله: الف) تولید برنامه‌های مبتدل و صدور آن، ب) تلاش برای دین‌زدایی از راه‌های مختلف، ج) ایجاد روحیه خودباختگی فرهنگی، د) ساخت و فروش وسایل ارتباطی مانند ماهواره و سخت‌افزارها و نرم‌افزارها و موارد مشابه دیگر (ولی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲).

۲. بسترها و عوامل درونی: زمینه‌ها و عناصری که ریشه داخلی داشته و در پذیرش فرهنگ مهاجم به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم کمک می‌کنند عوامل درونی هستند؛ از جمله: الف) مشکلات و کاستی‌های اقتصادی و اجتماعی، ب) ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در خانواده، مدرسه و جامعه، ج) ضعف برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی، د) فقدان تولیدات فرهنگی کافی و مناسب، ه) روشنفکران غرب‌زده: رشد گروه جدیدی از نخبگان که افکارشان ریشه در مکاتب فکری و فرهنگی مطرح در غرب دارد (ولی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲).

وظایف سپاه در مقابله با جنگ نرم

انقلاب اسلامی در ایران به‌دلیل تأثیرگذاری و قدرت الهام‌بخشی آن یک انقلاب منحصر به فرد دینی در جهان امروز است. انقلاب اسلامی با ماهیت دینی و شعارها و گفت‌وگوهای مکتبی خود و در مواجهه با تهدیدات ابرقدرت‌های شرق و غرب که این انقلاب را مانع جدی جهان‌گشایی خود در سراسر جهان می‌دیدند، به نهادهایی نیازمند بود که بتواند نیازهای انقلاب را در زمینه‌های گوناگون خصوصاً در برابر حمله‌های دشمنان داخلی و خارجی پاسخ دهد. از این رو، یکی از دستاوردهای بزرگ نظام اسلامی، تأسیس نهاد مقدس سپاه بنا به فرمان حضرت امام خمینی (ره) بود که با حضور عده‌ای از جوانان پرشور انقلابی، پایه‌ریزی شد. نیروهای مسلح در نظام‌های سیاسی با هدف پاسداری از تمامیت ارضی و استقلال نظام‌ها تشکیل می‌شوند، اما در نظام جمهوری اسلامی براساس اصل ۱۵۰ قانون اساسی، فلسفه و کارکرد وجودی سپاه، پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن تلقی شد. برابر نص صریح قانون اساسی، ایفای این نقش و مأموریت، مستلزم شناخت و بصیرت خانواده بزرگ سپاه از انقلاب، دستاوردهای ارزشمند آن، آسیب‌ها و تهدیداتی متوجه آن است. راه‌های مقابله با مخاطرات و تهدیدات و همچنین هوشیاری و آمادگی مستمر، عالمانه و همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف خصوصیات از سپاه است که آن را از سایر نیروهای مسلح متمایز ساخته است. به استناد اساسنامه سپاه پاسداران، مصوب

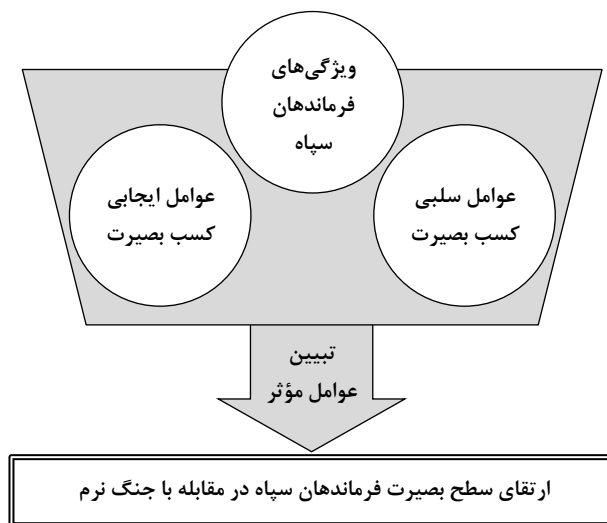
۱۳۶۱/۶/۱۵ مجلس شورای اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی رهبر معظم انقلاب که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی، دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون، طبق قوانین و تقویت بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی است. فصل دوم اساسنامه در قالب ۱۰ ماده و دو تبصره به تشریح مأموریت سپاه، حیطه و چگونگی انجام آن اشاره دارد، «مبارزه قانونی با عوامل و جریان‌هایی که در صدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران می‌باشند، مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه در صدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی باشند. بر این اساس، یک تفاوت ماهوی بین سپاه و دیگر نیروهای مسلح وجود دارد که رسالت و مأموریت سپاه متفاوت از دیگران بوده و بر این اساس سپاه به عنوان بازوی توانمند ولایت و رهبری آماده پاسداری از حاکمیت جمهوری اسلامی در همه عرصه‌های مورد نیاز بوده است (اساسنامه سپاه پاسداران، مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵ مجلس شورای اسلامی).

قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(صلی‌الله و آله)

بر اساس اصل ۱۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که نیروهای مسلح را در زمان صلح موظف به مشارکت در بازسازی و سازندگی می‌نماید و بر مبنای ابلاغ فرماندهی کل قوا در سال ۱۳۶۸ مبنی بر مشارکت مهندسی سپاه در بازسازی و سازندگی کشور، بخشی از امکانات و منابع انسانی در سازمان مستقلی تحت عنوان قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(صلی‌الله و آله)، سازماندهی و وارد عرصه سازندگی شد. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(صلی‌الله و آله) تاکنون با رشد شاخصه‌های کمی (تعداد کارکنان، حجم بالای پروژه‌ها، میزان سرمایه) و کیفی (توان فنی و مدیریتی) با ورود به عرصه‌های جدید و پروژه‌های پیچیده‌ای که قبلاً توسط پیمانکاران خارجی انجام می‌شد، با حضور در مناطق محروم، ناامن و دورافتاده، خدمات چشمگیری انجام داده است، همچنین با بهره‌گیری از ده‌ها گروه اجرایی و شرکت‌های تابعه و همکار تاکنون تعداد ۱۸۳۶ پروژه در رشته‌های تخصصی نظیر: راه‌سازی، سدسازی، بندر و سازه‌های دریایی، خدمات مهندسی، تأسیسات نفت - گاز و... را به اتمام رسانده و تعداد قابل توجهی پروژه دیگر را در دست اجرا دارد که بخشی از این فعالیت‌ها در مناطق محروم انجام می‌شود. با توجه به فعالیت‌های سازندگی انجام شده، اهم اهداف و راهبردهای قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(صلی‌الله و آله) در امر سازندگی عبارتند از: ۱. کمک به اجرای برنامه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران، ۲. استفاده بهینه از منابع و امکانات و استعدادهای عمرانی و اقتصادی، ۳. کسب تجربه و

دانش فنی به منظور افزایش توان رزمی و دفاعی، ۴. ایجاد بستر مناسب برای مشارکت نیروهای بسیجی در توسعه اقتصادی کشور، ۵. کمک به مناطق محروم و خدمات‌رسانی به مردم از محل منابع قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(صلی‌الله و آله) (قرب) (ابلاغ فرماندهی کل قوا در سال ۱۳۶۸).

مدل مفهومی تحقیق



تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

برای دستیابی به پاسخ سؤال تحقیق مبنی بر تعیین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، ابتدا براساس داده‌های جمع‌آوری شده از جامعه نمونه آماری در قالب پرسشنامه و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی، به توصیف و تجزیه و تحلیل عوامل ۲۲گانه در قالب سه مؤلفه عوامل ایجابی کسب بصیرت، عوامل سلبی کسب بصیرت و ویژگی فرماندهان در قالب جداول و نمودارهای توزیع درصد فراوانی برای اطمینان از معنی‌داری پاسخ جامعه نمونه آماری به شرحی که در ادامه برای عامل یک به صورت نمونه می‌آید، پرداخته شده است و سپس جداول توزیع درصد فراوانی برای تمامی عوامل در قالب جداول در یک نگاه به ترتیب اولویت میانگین هریک از آنها ارائه شده است و متعاقب آن نسبت به استانداردسازی عوامل و تعیین میانگین کل و عدد

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

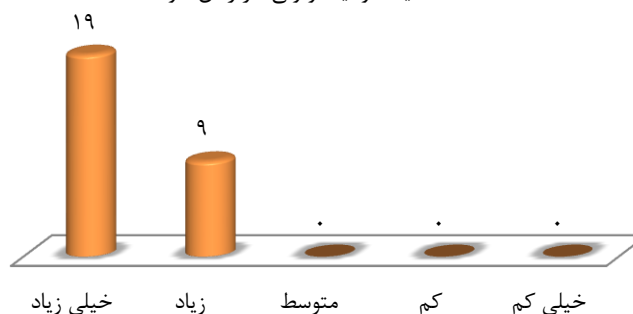
شاخص در قالب مؤلفه‌های سه‌گانه ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، به ترتیب نمره نیز اقدام شده است.

میزان تأثیر عامل ۱: آیا شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود یکی از عوامل ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، است؟

جدول ۲: توزیع درصد فراوانی عامل ۱ در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

طبقه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	میانگین
خیلی زیاد	۱۹	٪ ۶۸	٪ ۶۸	۴/۶۸
زیاد	۹	٪ ۳۲	٪ ۱۰۰	
متوسط	۰	۰	٪ ۱۰۰	
کم	۰	۰	٪ ۱۰۰	
خیلی کم	۰	۰	٪ ۱۰۰	
جمع	۲۸	٪ ۱۰۰	٪ ۱۰۰	

شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود



نمودار ۲. توزیع فراوانی عامل یک در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

توصیف و تحلیل آزمون عامل ۱: جدول و نمودار فوق نشان می‌دهد که ۶۸ درصد پاسخگویان جامعه نمونه آماری، میزان تأثیر عامل شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود را به‌عنوان یکی از عوامل ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، در حد خیلی زیاد، ۳۲ درصد پاسخگویان تأثیر این عامل را در حد زیاد، ۰ درصد در حد متوسط و ۰ درصد آنان در حد کم و ۰ درصد آنان در حد خیلی کم دانسته‌اند. لذا با توجه به نتیجه، ۱۰۰٪ درصدی پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد، این عامل به‌عنوان یکی از عوامل ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم محسوب می‌شود. در ادامه توزیع درصد فراوانی عوامل ۲۲ گانه ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال شانزدهم، شماره ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

مقابله با جنگ نرم، به ترتیب اولویت میانگین و در قالب جدول در یک نگاه به شرح زیر ارائه شده است که بالاترین میانگین مربوط به عوامل: ولایت‌پذیری و شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود هر دو با میانگین عددی ۴/۶۸ درصد به‌عنوان تأثیرگذارترین عامل و پایین‌ترین میانگین مربوط به عامل و عدم توجه به وابستگی خانوادگی با میانگین عددی ۳/۱۱ درصد به‌عنوان کم‌اثرگذارترین عامل در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، محسوب می‌شود.

جدول ۳: توزیع درصد فراوانی عوامل ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم به ترتیب اولویت میانگین (در یک نگاه)

ردیف	شاخص‌ها	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		میانگین
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۱	شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹	۳۲٪	۱۹	۶۸٪	۴.۶۸
۲	ولایت‌پذیری	۰	۰	۲	۷/۱۴	۰	۰	۳	۱۰/۷۲	۲۳	۸۲/۱۴	۴.۶۸
۳	رعایت ایمان و تقوی الهی	۱	۳/۵۷	۰	۰	۲	۷/۱۴	۹	۳۲٪	۱۶	۵۷/۱۴	۴.۳۹
۴	داشتن فکر و اندیشه و تجزیه و تحلیل مسائل	۰	۰	۱	۳/۵۷	۱	۳/۵۷	۱۴	۵۰٪	۱۲	۴۲/۸۶	۴.۳۲
۵	ذکر و یاد الهی	۲	۷/۱۴	۰	۰	۲	۷/۱۴	۱۰	۳۵/۷۱	۱۴	۵۰٪	۴.۲۱
۶	پایبندی به ارزش‌ها و معیارهای دینی	۱	۳/۵۷	۰	۰	۴	۱۴/۲۹	۱۳	۴۶/۴۳	۱۰	۳۵/۷۱	۴.۱۱
۷	شهادت‌طلبی	۰	۰	۰	۰	۸	۲۸/۵۶	۹	۳۲٪	۱۱	۳۹/۲۹	۴.۱۱
۸	دوراندیشی در امور	۰	۰	۱	۳/۵۷	۸	۲۸/۵۶	۷	۲۵٪	۱۲	۴۲/۸۶	۴.۰۷
۹	عبرت‌گرفتن از مسائل و حوادث گوناگون	۰	۰	۰	۰	۷	۲۵٪	۱۲	۴۲/۸۶	۹	۳۲٪	۴.۰۷
۱۰	ناآگاهی	۰	۰	۱	۳/۵۷	۹	۳۲٪	۱۰	۳۵/۷۱	۸	۲۸/۵۶	۳.۸۹
۱۱	استفاده از تجربه دفاع مقدس	۱	۳/۵۷	۱	۳/۵۷	۷	۲۵٪	۱۲	۴۲/۸۶	۷	۲۵٪	۳.۸۲
۱۲	پیروی از عالمان وارسته	۰	۰	۴	۱۴/۲۹	۷	۲۵٪	۹	۳۲٪	۸	۲۸/۵۶	۳.۷۵
۱۳	پیمودن راه اهل بصیرت	۰	۰	۲	۷/۱۴	۱۰	۳۵/۷۱	۱۱	۳۹/۲۹	۵	۱۷/۸۶	۳.۶۸
۱۴	عدم سطحی‌نگری	۰	۰	۳	۱۰/۷۲	۹	۳۲٪	۱۰	۳۵/۷۱	۶	۲۱/۴۳	۳.۶۸
۱۵	عدم گرفتار شدن به شهوات و لذت‌ها	۲	۷/۱۴	۱	۳/۵۷	۱۱	۳۹/۲۹	۶	۲۱/۴۳	۸	۲۸/۵۶	۳.۶۱
۱۶	عدم شخصیت‌زدگی	۰	۰	۴	۱۴/۲۹	۱۰	۳۵/۷۱	۹	۳۲٪	۵	۱۷/۸۶	۳.۵۴
۱۷	عدم خودمحوری	۰	۰	۴	۱۴/۲۹	۸	۲۸/۵۶	۱۳	۴۶/۴۳	۳	۱۰/۷۲	۳.۵۴
۱۸	غرق شدن در امور جاری و فراموش کردن حقیقت‌طلبی	۰	۰	۵	۱۷/۸۶	۹	۳۲٪	۹	۳۲٪	۵	۱۷/۸۶	۳.۵۰
۱۹	عدم گروه‌گرایی	۰	۰	۶	۲۱/۴۳	۸	۲۸/۵۶	۹	۳۲٪	۵	۱۷/۸۶	۳.۴۶
۲۰	عدم دلبستگی به دنیا	۱	۳/۵۷	۵	۱۷/۸۶	۷	۲۵٪	۷	۲۵٪	۷	۲۵٪	۳.۳۹
۲۱	مردمی‌بودن	۱	۳/۵۷	۶	۲۱/۴۳	۸	۲۸/۵۶	۸	۲۸/۵۶	۵	۱۷/۸۶	۳.۳۶
۲۲	عدم توجه به وابستگی خانوادگی	۱	۳/۵۷	۱۰	۳۵/۷۱	۶	۲۱/۴۳	۷	۲۵٪	۴	۱۴/۲۹	۳.۱۱

استانداردسازی عوامل تبیین شیوه‌های ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم برای استانداردسازی عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، عوامل مزبور را به ترتیب اولویت میانگین هر عامل به شرح جدول ۵ فهرست نموده و سپس با تعیین عدد شاخص که از رابطه زیر استفاده شده است، نسبت به انتخاب مهم‌ترین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم که دارای میانگین بالاتر از عدد شاخص (۳/۳۴) می‌باشند، اقدام شده است و سایر عوامل که دارای میانگین پایین‌تر از عدد شاخص می‌باشند، به دلیل تأثیر کم‌تری که این عوامل در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، خواهند داشت، قاعدتاً در ادامه باید حذف شوند. بنابراین، در این تحقیق به دلیل وجود میانگین پایین‌تر از عدد شاخص در عامل (۲۲)، هرچند اینها به عنوان عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، دارای تأثیر کم‌تری نسبت به سایر عوامل دارند، ولی با توجه به نزدیک بودن میانگین عامل فوق (۲۲) با میانگین برخی از عوامل بالاتر از عدد شاخص و حسب معنی‌دار بودن پاسخ جامعه نمونه آماری به عامل مزبور و تأکید برخی از افراد خبره و صاحب‌نظر مبنی بر عدم حذف عوامل فوق به لحاظ تأثیر و نقش تعیین‌کننده آن در تبیین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، این عامل نیز حذف نشده است.

$$\mu = M - \frac{\text{Max}-\text{Min}}{3} =$$

$$۳/۸۶ = \frac{4/68-3/11}{3} = ۳/۳۴$$

جدول ۵: استانداردسازی عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

تعداد	شاخص‌ها	تعداد	میانگین
۱	شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود	۲۸	۴,۶۸
۲	ولایت‌پذیری	۲۸	۴,۶۸
۳	رعایت ایمان و تقوی الهی	۲۸	۴,۳۹
۴	داشتن فکر و اندیشه و تجزیه و تحلیل مسائل	۲۸	۴,۳۲
۵	ذکر و یاد الهی	۲۸	۴,۲۱
۰
۰
۲۰	عدم دل‌بستگی به دنیا	۲۸	۳,۳۹
۲۱	مردمی‌بودن	۲۸	۳,۳۶
۲۲	عدم توجه به وابستگی خانوادگی	۲۸	۳,۱۱
	جمع		۸۴/۹۷
	میانگین کل		۳/۸۶
	عدد شاخص		۳/۳۴

ارزیابی تحلیل داده‌های مرتبط با سؤال تحقیق

باتوجه به تجزیه و تحلیل فوق و تعیین عوامل ۲۲ گانه و تبیین میزان تأثیر هریک از آنها در قالب مؤلفه‌های سه گانه عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم (به شرح جدول ۶ پیش گفته)، می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که موارد مزبور در واقع، پاسخ مناسبی به سؤال تحقیق مبنی بر تبیین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم است.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق و باتوجه به تجزیه و تحلیل انجام شده به شرح موارد پیش گفته که حاصل مطالعات نظری و تحقیقات میدانی است، به سؤال تحقیق به شرح ذیل پاسخ داده می‌شود؛ در پاسخ به سؤال تحقیق می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که عوامل مؤثر و میزان تأثیر هریک از آنها در تبیین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم، در قالب مؤلفه‌های سه گانه عوامل ایجابی کسب بصیرت، عوامل سلبی کسب بصیرت و ویژگی فرماندهان مشتمل بر ۲۲

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم

عامل به شرح جدول ۶ پیش گفته است که هر یک از آنها بر حسب اولویت میانگین نیز تعیین شده‌اند که در این راستا، بیشترین نمره مربوط به عوامل شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمان خود و ولایت‌پذیری با میانگین ۴/۶۸ به عنوان تأثیرگذارترین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم است. این در حالی است که عامل عدم توجه به وابستگی خانوادگی با میانگین ۳/۱۱ به عنوان کم‌اثرگذارترین عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم است. همچنین بر این اساس، با توجه به نمرات میانگین حاصله، مؤلفه عوامل ایجابی کسب بصیرت با هشت عامل و با میانگین ۴/۱۴۶ در رتبه اول و سپس مؤلفه ویژگی فرماندهان با پنج عامل و با میانگین ۴/۰۱۶ در جایگاه دوم و مؤلفه عوامل سلبی کسب بصیرت با نه عامل و با میانگین ۳/۵۲۴ در رتبه سوم به عنوان مؤلفه‌های عوامل مؤثر در ارتقای سطح بصیرت فرماندهان سپاه در مقابله با جنگ نرم محسوب می‌شوند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. مفاتیح الجنان.
۳. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه فیض الاسلام اصفهانی، تهران: چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، بیروت: انتشارات دار بیروت.
۵. اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵ مجلس شورای اسلامی.
۶. امام خمینی (ره)، روح‌الیه، وصیت‌نامه سیاسی - الهی.
۷. برهان، مهدی (۱۳۹۰)، شاخص‌ها و مؤلفه‌های بصیرت، فصلنامه معرفت سیاسی: ۶۵ تا ۹۰.
۸. جوانی، یدالله (۱۳۸۸)، مفهوم‌شناسی و ماهیت جنگ نرم، هفته‌نامه صبح صادق، شماره ۴۲۵، صفحه ۸، ۱۳۸۸/۰۸/۲۵.
۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۰.
۱۰. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع اعضای دفتر رهبری و سپاه ولی امر، ۱۳۸۸/۰۵/۲۱.
۱۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با خبرنگان مردم در تاریخ ۱۳۸۸/۰۷/۲.
۱۲. سخنرانی مقام معظم رهبری در صبحگاه لشکر ۱۶ قدس ۸۰/۰۲/۱۶.
۱۳. سخنرانی مقام معظم رهبری دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور ۷۱/۸/۲۷.

۱۴. شیرازی، علی (۱۳۸۸)، تحلیلی درباره موانع بصیرت، سایت بصیرت ۸۸/۱۰/۲۰.
۱۵. قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. کالینز، جان. ام. (۱۳۷۰)، استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کوروش بایندر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۷. نای، جوزف اس. (۱۳۸۸)، قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۸. نائینی، علی محمد (۱۳۸۸)، مبانی مأموریت سپاه در مقابله با تهدیدات نرم با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری.
۱۹. ولی‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۸)، تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن، مجله معارف، شماره ۶۹.
۲۰. همیتیان، شکوفه (۱۳۸۹)، بصیرت از دیدگاه مقام معظم رهبری، روزنامه کیهان شماره ۶۴۶۲۶، ۱۳۸۹/۰۲/۱۹.
۲۱. همیتیان، شکوفه (۱۳۸۹)، بصیرت، راه‌هایی از فتنه، روزنامه کیهان، ۸۹/۰۲/۲۵.
۲۲. یعقوبی، منصور (۱۳۸۸)، بصیرت در آموزه‌های قرآن، کیهان ۸۸/۰۹/۳۰.
۲۳. سایت www.tebyan.net و jangekhamush.blogfa.com